

در کلاس های آواز دانشگاه جامع علمی - کاربردی چه می گذرد؟

# جفای سیستم آموزشی در حق آواز ایرانی



سینا باری

در سرزمین ما تنها شیوه آموزشی هنر آواز برای سال ها و سده ها، آموزش سینه به سینه بوده است و بس؛ و شاید تنها در یکصد سال گذشته روش هایی دیگر نیز به حفظ و آموزش آواز ایرانی افزوده شده است. با گذشت زمان توسعه تکنولوژی، صنعت الکترونیک و فناوری نیز به کمک آموزش آمده است اما همان شیوه آموزشی گذشته در نحوه فراگیری، آموزش یک گوشه از دستگاه در ردیف موسیقی ایرانی و تکرار آن توسط هنر جو، همچنان در جریان است. و علی رغم استفاده از دستگاه های ضبط صوت که امکان فراگیری را تسهیل کرده، سیستم آموزش فراگیری همان گونه است و دانش و احاطه استاد به آواز و گوشه های آوازی و شیوه بیان ظریف و انتقال آنها است که می تواند هنر جو را به سمت آواز سوق داده و از آنها خواننده توانمند آواز بسازد.



صدای هر هنر جو بستگی دارد؛ اما اصل متکی بر استاد بودن فراگیری آواز خدشه ناپذیر است و سطح و کیفیت آن را مشخص می کند هر چند هنر جو ناتوان باشد. در سال های پایانی دهه ۴۰ نیز آن هنگام که نلی کارن و دکتر دارپوش صفوت کتاب خود را بر مبنای ایده حفظ و نگهداری موسیقی ایرانی نوشتند نیز

محوریت اصلی آن تمرکز بر آموزش صحیح و تکیه بر اساتیدی بود که در دانش و هنر سرآمد باشند. و در ادامه هنگامی که مرکز حفظ و اشاعه موسیقی پا گرفت اساتید یگانه در هنر خویش به آن مرکز دعوت شدند تا اگر آموزشی قرار است برای حفظ و پایداری و استمرار آواز و موسیقی ایرانی انجام شود زیر نظر یگانه های دوران و زمانه به پیش

آموزش و حتی دایر کردن کلاس آموزشی از تباط تنگاتنگی با استادان دارد و آن گونه که در گذشته مرسوم بوده اغلب کسانی که در فن و هنر تایید شده نسل قبل آواز هستند و در میان هم نسلان خود سری مابین سر هادر آورده اند آموز گران معتبری بوده اند. از این رو آموزش آواز هر چند همچنان به شیوه آموختن یک گوشه و تکرار آن به پیش می رود و موفقیت در آن به ممارست و تمرین و قدرت

کتاب

## در وصف ناشی که آب لیمو می فروخت



حسین جاوید

زنده نام «حسن معرفت» یکی از قدیمی ترین ناشران ایرانی و از تاثیر گذار ترین آن ها است. حسن معرفت، آن چنان که از اسناد برجای مانده معلوم است ناشی با اخلاق خاص و خلاقیت های عجیب است. او در سال ۱۳۲۱ انتشارات «کانون معرفت» را در شیراز پایه گذاشت و تعدادی کتاب بسیار خوب به نسبت آن روزگار منتشر کرد. بنابراین باید برای او هم سهمی در اعتلای صنعت نشر ایران قائل شد و گرمی اش داشت. البته باید گفت او سرقلی کتاب فروشی

پروین در خیابان لاله زار تهران را خریده بود و کارش در شیراز نبود.

عبدالرحیم جعفری بنیان گذار انتشارات «امیر کبیر» در کتاب دو جلدی خاطر ایش که با نام «در جستجوی صبح» منتشر شده یکی دو صفحه هم درباره حسن معرفت نوشته که از قضا بسیار بامزه است: «... معرفت در چاپ و نشر کتاب از شیوه خاص خود و وصیت پدر پیروی می کرد. وصیت پدر آن طور که شنیدم این بود: کتاب را از آن تمام کن و گران بفروش! خودش هم آن قدرها صاحب ذوق و سلیقه نبود، عناوین اکثر کتاب هایش را خودش با قلم می نوشت که پول خطاطی ندهد.

در پشت قفسه های کتاب، آب لیمو هم می گرفت و آب لیموی معرفت شیراز معروف بود. همیشه خدا

یک خروار لیموترش ته کتاب فروشی تلنبار شده بود. معرفت با دو تا از شاگردا آب لیمو می گرفتند و کتاب هم می فروختند و این هم زیستی مسالمت آمیز کتاب و آب لیمو همیشه برقرار بود...

در پشت بعضی کتاب ها گاه این شعار را می دیدی: کتاب های معرفت را بخوانید و آب لیموی معرفت را بنوشید!...» (در جستجوی صبح، انتشارات روزبهان، جلد اول، ص ۴۶۲) باور کنید من وقتی اولین بار این جملات را خواندم، باور نکردم تا این که برای کاری به کتاب «یکی بود، یکی نبود» نوشته محمد علی جمال زاده مراجعه کردم. این کتاب را هم این کانون معرفت حدود ۶۰ سال پیش منتشر کرده است. در آخرین صفحه کتاب همین اعلان دیده می شود.

حتی تصورش هم برای من خنده دار است. فکرش را بکنید مثلاً آقای کبابیان روی شیشه های کتاب فروشی اش بنویسد: زعفران اعلای قائنات

تجسمی

## ماجرای تصویرگران ناشناس با درآمد های دلاری



محمدرضا دوست محمدی، تصویرگر و استاد دانشگاه گفت: «در کشورمان تصویرگرانی داریم که اصلاً آنها را نمی شناسیم، اما برای کشورهای خارجی و ناشران بین المللی کار می کنند؛ این هم خوب است، هم تلخ!»

محمدرضا دوست محمدی، تصویرگر و استاد دانشگاه درباره وضعیت کنونی هنر تصویرسازی به فارس گفت: «آمار دقیقی ندارم که وضعیت چگونه است اما در این یک سال اخیر حداقل در اطراف خود می بینم که تلاش بچه های تصویرگر برای سفارش کار گرفتن از خارج کشور بیشتر شده است. این موضوع از آن فرصت هایی است که واقعاً می تواند باعث رشد اقتصادی وضعیت کاری تصویرگران شود، اگر چه به دلیل تحریم هادر مبادله پول مشکلاتی دارند.» وی در تشریح این وضعیت توضیح داد: «جداز کاهش ارزش ریال در برابر ارز طی یک سال اخیر، نکته مهم این است که کیفیت تصویرگری ما مانند کار یکاتور کیفیت خیلی بالایی دارد و این دو موضوع باعث شده انجام کار برای مشتریان خارجی بیشتر شود.»

دوست محمدی تصریح کرد: «به جرأت می توانم بگویم تصویرگر هایی در ایران زندگی می کنند که ماصلاً آنها را نمی شناسیم و وقتی به سایت های پروفایلی مجموعه آرتیست های هنری خارجی می رویم، این هنرمندان ایرانی را می بینیم که اصلاً در ایران حضور هنری ندارند ولی دارند کار می کنند.» استاد پدیس هنر های زیبای دانشگاه تهران اذعان کرد: «یک قسمت تلخ دیگر این که طی یک سال با اینکه شیوع کرونا شرایط را خیلی سخت کرده است، میزان دانشجویانی که فارغ التحصیل می شوند و می خواهند اپلای کنند (ادامه تحصیل در خارج کشور)، لااقل در مراعاتی که بچه ها به من داشته اند، بیشتر شده است.»

گردشگری

## آوای غمگین کوچ جلب سیاحان از بلوار کشاورز



رزوا احمدزاده، راهنمای طبیعت گردی

موسسه آوای جلب سیاحان اولین موسسه آموزش هتلداری و گردشگری در ایران است که از دهه چهل خورشیدی در بلوار کشاورز فعالیت می کرده است. سازمان جلب سیاحان اولین نهاد رسمی متولی توسعه گردشگری در ایران بود که بعدها نامش به سازمان ایرانگردی و جهانگردی تغییر یافته و به خیابان آزادی نقل مکان می کند. استاد جلال نصیریان موسسه آموزشی آوای جلب سیاحان را در همان بلوار کشاورز راه اندازی میکنند. اما با ورود کرونا و تعطیلی موسسات آموزشی، خاموشی گردشگری و نبود گردشگر ورودی و خروجی، عدم حمایت وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی از موسسات آموزش گردشگری و همچنین بالا بودن اجاره بهای محل آموزشگاه باعث شد تا مدیریت این موسسه تصمیم به خاموشی چراغ آوای جلب سیاحان پس از ۲۰ سال در مکان فعلی گرفته و به مکان دیگری در شهر تهران نقل مکان کنند و اینگونه کر و نا باعث شد تا آوای جلب سیاحان نیز به خاطر بلوار کشاورز بیرونند.



را فقط از نشر چشمه بخواهید! یا نشر مرکز پشت کتاب های این نوشته را چاپ کند: بهتر و خالص تر از آب غوره مرکز وجود ندارد! بعید نیست بر و بچه های نشر ماهی هم انواع ترشی جات و مریجات خانگی عرضه کنند!

## پایان حکومت خصوصی هادر تئاتر شهرهای استانی!

فعالیت مجموعه تئاتر شهر کرمان شامل تدوین اساسنامه، ضوابط بهره برداری و انجام امور مشاوه های تخصصی و لازم همکاری کند.»  
بر این اساس مقرر شده است کارهای قانونی واگذاری مجتمع فرهنگی و هنری کرمان به انجمن هنرهای نمایشی شعبه استان صورت گیرد. با این حال در این فرآیند دو نکته کماکان مبهم است. نخست آنکه انجمن هنرهای نمایشی به مثابه بخش خصوصی و اردین فرآیند شده است یا بخش دولتی؟ مسأله دیگر آن است که آیا این فرآیند در دیگر استان ها نیز دنبال می شود یا خیر.

تکراری خصوصی سازی تئاترهای شهر بوده است. حالا مدیر کل مرکز هنرهای نمایشی گفته است: «با تدوین برنامه های راهبردی در جهت افزایش تولید و ساماندهی فعالیت های هنرمندان عرصه نمایش کرمان، تفاهم نامه ای با محمدرضا علیزاده احمدآبادی، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان امضا کردیم...»  
بر این اساس اداره کل هنرهای نمایشی کشور متعهد شده است تا زمینه توسعه فعالیت های تئاتر شهر کرمان را در چارچوب ضوابط حمایتی فراهم کند. همچنین در تدوین مفاد قانونی و ضوابط اجرایی مورد نیاز

واگذاری تئاتر شهر استان کرمان به انجمن هنرهای نمایشی این استان کلید بخورد. این تفاهم نامه همزمان با آغاز بهره برداری تئاتر شهر کرمان منعقد شده است.  
در سال های گذشته همواره واگذاری تئاترهای شهر، پروژه ای که در دوران قادر آشنا کلید خورده بود تا هر شهری دارای فضایی برای اجرای تئاتر باشد، محل نزاع و گلايه هنرمندان بوده است. از ماجراهای عجیب در تئاتر شهر کرمانشاه و اجاره دادن سالن به فعالیت های بی ربط گرفته تا شرایط بد نگهداری در برخی استان ها و در نهایت دریافت هزینه های گزاف از هنرمند با توجیه بخش خصوصی، داستان



نمایشی در سفری به استان کرمان، در دیدار با محمدرضا علیزاده احمدآبادی، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان تفاهم نامه ای امضا کرده است تا مقدمات



حسان زورغالام

قادر آشنا، مدیر کل اداره هنرهای